

برسازی امنیتی فعالیت هسته‌ای ایران

علی امیدي^۱ *

سعیده مرادی فر^۲

چکیده

برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران از سال ۲۰۰۲ تاکنون از مهم‌ترین مباحث مطرح در سطح بین‌المللی است. از زمان مطرح شدن این برنامه، کشورهای غربی و در راس آنها ایالات متحده، واکنش شدیدی علیه این برنامه ابراز و به تبع آن رسانه‌های غربی و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز سعی در بزرگنمایی و تهدید جلوه دادن آن دارند. لذا نوشتار حاضر به تبیین و بررسی کنش کلامی رسانه‌های غربی و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در امنیتی ساختن و بزرگنمایی برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در طی ده سال گذشته پرداخته است. این پژوهش در پی پاسخگویی به این پرسش‌ها می‌باشد: رویکرد رسانه‌های غربی و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در امنیتی ساختن فعالیت هسته‌ای ایران چگونه است؟ چرا روزنامه‌های پر مخاطب غرب و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از واژگان و عباراتی حاوی بار منفی برای بزرگنمایی برنامه هسته‌ای ایران استفاده می‌کنند؟ فرضیه نوشتار بیان می‌کند که رسانه‌های غربی و آژانس در بساختگی بار امنیتی برنامه هسته‌ای ایران نقش موثری داشته‌اند. این رسانه‌ها و آژانس با انتخاب واژگان و عبارات حاوی بار منفی، به عنوان ابزاری برای امنیتی ساختن برنامه هسته‌ای ایران، در تلاش اند که فضای ذهنی مخاطبان و بازیگران منطقه‌ای و جهانی را از برنامه هسته‌ای ایران منفی نمایند. در این پژوهش به روش تحلیل محتوا، تعدادی از سرمقاله‌های چهار روزنامه پرمخاطب واشنگتن پست، گاردین، وال استریت ژورنال، دیلی تلگراف و اسناد صادره توسط آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای مورد بررسی قرار گرفته و همچنین در این پژوهش از مکتب کپنهاگ به عنوان چارچوب تئوریک استفاده شده است.

واژه‌های کلیدی: امنیتی ساختن، مکتب کپنهاگ، برنامه هسته‌ای ایران

۱- دانشیار روابط بین الملل دانشگاه اصفهان

۲- دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه اصفهان

* نویسنده مسؤول، ایمیل: Al.omidi@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۹/۱۸

فصلنامه سیاست جهانی، دوره سوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۳، صص ۱۴۹-۱۲۱

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به‌ویژه در دهه اخیر برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، به شکل اغراق شده در صحنه سیاسی و تبلیغاتی جهان بحث‌انگیز شد و تبدیل به یکی از موضوعات امنیتی در نظام بین‌الملل گردید. وقتی موضوعی امنیتی شود، منظور این است که این مسئله ربطی به وجود تهدید واقعی ندارد و می‌تواند از معرفی آن به عنوان تهدید سرچشمه گیرد. روند امنیت چیزی است که در نظریات زبان‌شناسی، عمل‌گفتاری نامیده می‌شود و این عمل الزاما برای نشان دادن پدیده واقعی نیست، پس با گفتن کلمات، کاری انجام می‌شود. از اینرو مکتب کپنهاگ با طرح نظریه امنیتی ساختن، رد عینی بودن امنیت، آن را موضوعی بین‌ذهنی و خود مصداقی می‌داند، که گویا ترین مصداق در این زمینه، برنامه هسته‌ای ایران است. در اگوست ۲۰۰۲ به دنبال اعلام علیرضا جعفرزاده، سخنگوی گروه موسوم به «شورای ملی مقاومت ایران» مبنی بر وجود دو سایت هسته‌ای در دست احداث «غنی‌سازی اورانیوم در نطنز و آب‌سنگین اراک» آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای بازرسی از تاسیسات اعلام آمادگی کرد. از این مقطع زمانی بود که موضوع برنامه هسته‌ای ایران به عنوان تهدید امنیتی توسط بازیگران غربی، برساخته و بزرگنمایی شد و به یکی از مسائل مهم در رسانه‌ها و آژانس تبدیل گردید.

از این‌رو نوعی تصویرسازی از برنامه‌ی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و رسانه‌های غربی در سال‌های اخیر صورت گرفته است. نویسندگان این پژوهش در تلاشند تا کنش کلامی غرب را در انتخاب واژگان و عبارات رسانه‌های غربی و قطعنامه‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ مورد بررسی قرار دهند. بنابراین نویسندگان این پژوهش توجه خود را به مهم‌ترین روزنامه‌های غربی پرنفوذ (واشنگتن پست، گاردین، وال استریت ژورنال و دیلی تلگراف) که سبب تشدید روند امنیتی ساختن فعالیت هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران شد، معطوف کرده‌اند. سرمقالات فراوانی در این روزنامه‌ها در خصوص برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران وجود دارد که در این پژوهش

امکان بررسی همه آنها وجود ندارد فقط ضمن برشمردن رویکرد این روزنامه‌ها، فضای کلی آنها را نسبت به برنامه هسته‌ای ایران ترسیم می‌کنیم. نویسندگان این پژوهش با بررسی بیش از ۴۰۰ سرمقاله مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران از بین چهار روزنامه (واشنگتن پست، گاردین، وال استریت ژورنال و دیلی تلگراف) در طی ده سال گذشته، ۸۰ سرمقاله را بصورت هدفمند و تصادفی انتخاب کرده‌اند. اما داده‌های این پژوهش محدود به انتخاب واژگان و عبارات در سرمقالات این روزنامه‌ها نیست بلکه شامل واژگان و عبارات، ۱۲ قطعنامه‌های شورای حکام هم می‌گردد. آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای نیز همانند این روزنامه‌ها به عنوان بازیگران امنیت‌ساز، با استفاده مکرر از واژگان و عبارات حاوی بار منفی در طی این ده سال موجب امنیتی‌سازی این فعالیت‌ها شده‌اند. جدول و نموداری که برای روزنامه‌ها و آژانس ترسیم شده دال بر تصویرسازی غرب برای نشان دادن کنش کلام است.

این نوع تصویرسازی از برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران سوالات متعددی را در ذهن پژوهشگران بوجود می‌آورد. سوال‌هایی مانند؛ رویکرد رسانه‌های غربی و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در امنیتی‌سازی فعالیت هسته‌ای ایران چگونه است؟ چرا روزنامه‌های پر مخاطب غرب و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از واژگان و عباراتی حاوی بار منفی برای بزرگنمایی برنامه هسته‌ای ایران استفاده می‌کنند؟ فرضیه نوشتار بیان می‌کند که رسانه‌های غربی و آژانس در برساختگی بار امنیتی برنامه هسته‌ای ایران نقش موثری داشته‌اند. این رسانه‌ها و آژانس با انتخاب واژگان و عبارات حاوی بار منفی، به عنوان ابزاری برای امنیتی‌سازی برنامه هسته‌ای ایران، در تلاشند که فضای ذهنی مخاطبان و بازیگران منطقه‌ای و جهانی را از برنامه هسته‌ای ایران منفی نمایند.

برای پاسخ‌گویی به سوالات فوق، بنا داریم با استفاده از تئوری امنیت‌سازی مکتب کپنهاگ برنامه هسته‌ای ایران را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهیم. از دید مطالعات انتقادی امنیت، بویژه «باری بوزان»^۱، مفهوم امنیت در دوران پس از جنگ

¹ Barry Buzan

سرد دچار تغییرات معنایی شده‌است و دیگر نمی‌توان با تاکید بر وجه امنیت واقعگرایی، موضوعاتی جاری قرن بیستم را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. بوزان عقیده دارد که "پایان یافتن جنگ سرد سیالیت قابل توجهی را ایجاد کرد و فضا برای تغییر در الگوی‌های کمی و کیفی روابط بین‌الملل باز شد. اگر چه رویداد های ۱۹۸۹ در مرکز اروپا بود، اما آنها تغییرات مهمی را ایجاد کردند که مناسب است از آنها به عنوان پایان دوره‌ای به عنوان سیستم بین‌المللی به مثابه یک کلیت صحبت شود. بویژه سال ۱۹۸۹ به عنوان پایان دوره قدرت مشخص می‌شود" (Buzan, 1991, 432). سازمان‌دهی پژوهش به گونه‌ای است که در ابتدا به تشریح رابطه کنش کلامی و امنیت از دیدگاه مکتب کپنهاگ می‌پردازد. پس از آن، به تحلیل واژگان و کنش کلام رسانه‌های غربی و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در رابطه با برنامه هسته‌ای ایران بر اساس جدول و نمودار مورد ارزیابی قرار گرفته می‌شود.

۱. چارچوب نظری: مکتب کپنهاگ

مکتب امنیتی کپنهاگ اصطلاحی است که بیل مک سوئینی^۱ برای آثار باری بوزان و الی ویور^۲ و دو ویلد^۳ و برخی دیگر بکار برده‌است. این مکتب تنها رهیافتی است که صرفاً مبتنی بر مطالعات امنیتی و جزء اولین رهیافت‌هایی است که در راستای پایه گذاری جایگاه مستقل بر مطالعات امنیتی تلاش نموده‌است (عبداله‌خانی، ۱۳۸۹: ۱۱۹). تلاش مکتب کپنهاگ بر این است که مفهوم امنیت را بسیار گسترده‌تر از وجه نظامی آن تعریف کند، این نوع نگرش متضمن این است که موضوعات امنیتی در سایر بخش‌ها؛ نظیر سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی مورد ارزیابی قرار گیرد. بر اساس مکتب کپنهاگ تمرکز بیش از اندازه بر روی امنیت نظامی، باعث شده تا سایر موضوعات مورد غفلت قرار گیرد (Jutila, 2006:172). این مکتب، امنیت را از جنبه‌های گوناگون مورد مطالعه قرار داده، اما در برخی جنبه‌ها بیشتر متمرکز شده و حتی طراح آن نیز بوده‌است. طرح «موسع در برابر مضیق»^۴ یکی از این موارد است

^۱ Bill Mc Sweeney

^۲ Ole Waver

^۳ De Wild

^۴ Broad Versus Narrow

که به منظور توسعه ابعاد امنیت طرح شده است. همچنین یکی از مهم ترین و بحث- انگیزترین موضوعات مکتب کپنهاگ، گفتمان امنیتی ساختن می باشد. تعریف امنیتی ساختن به عنوان یک کنش کلامی که از طریق درک بین‌الذهانی^۱ درون جامعه سیاسی شکل گرفته و نحوه رفتار در برابر تهدید وجودی و اعمال اقدامات فوری و استثنایی برای مقابله با تهدید را بیان می کند (Stritzel, 2007: 358). بنابراین برای مکتب کپنهاگ امنیتی ساختن نه تنها یک کنش کلامی یا ساختار اجتماعی است بلکه عمل سیاسی به شمار می آید (Williams, 2003: 514).

۱-۱. امنیت موضوعی بین ذهنی

ذهن و زبان در تفسیر مکتب کپنهاگ از امنیت، جایگاه بسیار بالایی برخوردار است، چرا که تحلیلگران این مکتب عقیده دارند که موضوع امنیت گفتمانی است و از طریق نوعی کنش کلامی صورت می گیرد. به عبارت ساده تر تا زمانی که یک موضوع از سوی شخص یا دولت امنیتی تلقی نشود، وجهه امنیتی نمی گیرد، پس زمانی که آنها اشاره می کنند که تعریف هر کس از امنیت متفاوت است باید متوجه این موضوع باشیم که مکتب کپنهاگ به نوع برداشت‌ها و روایت‌هایی که هر فرد از موضوعات دارد اهمیت قائل است (Bilgin, 2011:404).

نزدیکی مکتب کپنهاگ به مباحث سازه‌انگاران و ساخت اجتماعی مفاهیم باعث شده است که اندیشمندان مکتب کپنهاگ به شالوده شکنی مفاهیم بپردازند. آنها با قرار دادن مفاهیم در چهارچوب خاص عقیده دارند که مفاهیم با توجه به زمینه‌ای که در آن قرار گرفته‌اند، معنای متفاوتی دارند و در نظر گرفتن یک فراروایت برای مفاهیم چندان معقول به نظر نمی رسد. برای مکتب کپنهاگ موضوعات از طریق زبان تبدیل به موضوعات امنیتی یا دقیق تر تهدید می شوند، این زبان است که موضع بازیگران خاص یا موضوعات را به عنوان تهدیدی وجودی علیه یک جامعه سیاسی خاص بیان می کند، در واقع زبان، قادر به تفسیر و امنیت سازی است (McDonald, 2008:9). در نتیجه اصل بین ذهنی بودن موضوع امنیت وظیفه دو طرفه‌ای را ایجاد می کند؛ برای

^۱ Inter Subjective

بازیگران جامعه‌ای که موضوعی را امنیتی ساخته‌اند، برداشت و تصورات بازیگران خارجی و برای بازیگران خارجی، شناخت تصورات امنیتی و آستانه تحمل بازیگر مورد نظر با اهمیت است (عبداله خانی، ۱۳۸۹: ۱۲۳).

۱-۲. امنیتی ساختن

مفهوم امنیت‌سازی اولین بار و بعد از مشخص شدن آن به وسیله ویور در اواسط ۱۹۹۰ وارد روابط بین‌الملل شد، این مفهوم در سال ۱۹۹۸ و بعد از انتشار کتاب «چهارچوبی تازه برای تحلیل امنیت» کامل شد (McDonald, 2008:5). مفهوم امنیتی ساختن یکی از کانونی‌ترین مفاهیم در مکتب کپنهاگ است و تعریف امنیت به عنوان کنش کلامی مرکز این بحث است (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴۴۶). در امنیتی کردن یک چیز به عنوان یک موضوع امنیتی تعیین می‌گردد. چون می‌توان استدلال قانع‌کننده‌ای اقامه کرد، مبنی بر اینکه این موضوع در دستور کار سیاسی از اهمیت بیشتری برخوردار است و از اینرو باید به آن اولویت مطلق داد (شیهان، ۱۳۸۸: ۷۵). امنیتی کردن در تمام حوزه‌های نظامی و غیر نظامی ممکن است و در تمام ابعاد امنیت نیز یکسان عمل می‌کند (محسنی و صالحی، ۱۳۹۰: ۶۱۶). بنابراین امنیتی ساختن نمونه شدیدتر سیاسی کردن است (شیهان، ۱۳۸۸: ۷۵) و فرایندی ادامه‌دار و باز است و از مجموعه‌ای از عوامل تاثیر می‌پذیرد (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۱۶).

از لحاظ نظری هر مسئله عمومی را می‌توان روی طیفی جا داد که از امور غیر سیاسی (که دولت با آن کاری ندارد و از هیچ راه دیگری هم موضوع بحث و تصمیم‌گیری همگانی قرار نمی‌گیرد) تا امور سیاسی (که بخشی از سیاست‌گذاری همگانی است و مستلزم تصمیم‌گیری و تخصیص منابع از سوی دولت یا به شکل نادرتر نیازمند گونه‌ای دیگر از اراده جمعی است) تا امور امنیتی (که همچون تهدیدی وجودی جلوه می‌کند که نیازمند اتخاذ تمهیدات اضطراری و انجام اقداماتی در بیرون از مرزهای عادی رویه سیاسی را موجه می‌سازد) کشیده شده است.

در اصل جایگاه یک مسئله روی این طیف ثابت و قطعی نیست، بسته به اوضاع و احوال، هر مسئله‌ای می‌تواند روی هر بخشی از طیف جای گیرد (بوزان، ویور،

دوویل، ۱۳۹۲: ۵۱). در چارچوب امنیتی‌سازی، دو شرط برای موضوع‌های امنیتی وجود دارد که عبارتند از: گفتمان‌های امنیتی‌سازی و شکستن قوانین و رویه‌های موجود. گفتمان‌های امنیتی‌سازی^۱ شامل بازیگران تخصصی^۲ و بازیگران امنیتی‌سازی می‌شود. بازیگران امنیتی‌سازی، فرد یا گروهی هستند که موضوعات را با اظهار این مسئله که چیزی از لحاظ وجودی در معرض تهدید است، امنیتی می‌سازند. بازیگران تخصصی صرفاً دارای تاثیر بر تصمیمات در حوزه امنیت می‌باشد، از سوی دیگر بازیگر امنیتی‌سازی تنها مرجع امنیتی ساختن یک موضوع می‌باشد و مفهوم عمل‌گفتاری نیز همین جا معنا می‌یابد (عبداله‌خانی، ۱۳۸۳: ۱۵۰).

بازیگر امنیتی‌سازی باید تهدیدات موجود نسبت به ماهیت وجودی خود را شناسایی کند، این شناسایی به طور طبیعی یک کنش کلامی است. بوزان اشاره می‌کند که «بازیگران امنیت‌سازی می‌توانند، رهبران سیاسی، دولت‌ها، لابی‌گری‌ها و گروه‌های فشار باشند» (Ne loYuk-Ping, Thomas, 2011: 448-450).

همچنین بازیگر تخصصی، مانند یک موسسه مطالعاتی ایده‌پرداز در مسائل امنیتی است. طرح بازیگر امنیتی‌سازی و کارآمد و ارتباط عمل‌گفتاری با آن حاکی از این است که در مکتب کینهاگ، امنیت مسئله‌ای است که ساخته می‌شود نه اینکه باید کشف شود. بازیگر امنیتی‌سازی مسئله‌ای را امنیتی اعلام نماید (عبداله‌خانی، ۱۳۸۳: ۱۵۰). صرف اعلام، هر چند که شرط ضروری می‌باشد، اما به طور خودبه‌خودی موضوعی را امنیتی نمی‌سازد. دو شرط پیش‌گفته (بازیگر امنیت‌سازی و بازیگر تخصصی) صرفاً شرایط امنیتی ساختن یک موضوع می‌باشد اما این امنیتی‌سازی نزدیک به موفقیت نمی‌باشد. دو شرط دیگر نیز برای آنکه عمل امنیتی ساختن، موفقیت‌آمیز باشد، لازم است. شرط اول، مشروعیت داشتن تهدیدات وجودی برای شکستن قوانین و روال عادی سیاسی، به عبارت دیگر باید موضوعات مورد نظر برای امنیتی شدن در چهارچوب مفهوم تهدید امکان‌پذیر باشد (عبداله‌خانی، ۱۳۸۳: ۱۵۰-۱۵۱)، شرط دوم، این مرحله از طریق پذیرش موضوع توسط یک مخاطب

^۱. Securitizing Actors

^۲. Functional Actors

هدف «معمولا شهروندان یک جامعه» کسانی که در مورد تهدیدات بالفعل موجود متقاعد می‌شوند، دنبال می‌گردد (Ne lo yuk-ping, Thomas, 2010: 448). تا زمانی که این پذیرش از سوی مخاطب صورت نگیرد امنیت سازی صورت نمی‌گیرد. از دید مکتب کپنهاگ این مخاطب می‌تواند فرد، افکار عمومی جامعه و بازیگران نظام بین-المللی باشد. برای متقاعدسازی هر کدام از این مخاطبین باید ابزار متفاوتی اتخاذ شود. «برای مشروعیت‌سازی یا امنیتی ساختن، یک موضوع باید به اندازه کافی برای مخاطب اهمیت داشته باشد و این می‌تواند به صورت ادعایی در زمینه تهدید وجودی، نقطه بدون بازگشت، یا امری ضروری بیان شود» (Walker, Seegers, 2012: 24). بنابراین نهایتاً امنیت نه بر عین استوار است و نه بر ذهن، بلکه امری بینذهنی است (بوزان، ویور و دو ویلد، ۱۳۹۲: ۶۳).

۲. تحلیل واژگان

یکی از شیوه‌های تولید معنا و برساختن هویت خود/دیگری و اقناع ایدئولوژیک، بکار بردن واژگان است؛ پس بهترین روش برای کشف رابطه زبان و هویت و ایدئولوژی، تحلیل واژگان است. ممکن است کلماتی انتخاب شوند که به طور کلی یا از نظر بافتی بیانگر ارزش‌ها و هنجارها باشند (اکوانی، ۱۳۹: ۳۹). بنابراین از نظر مکتب کپنهاگ، موفقیت در امنیتی ساختن، به دو عامل «زیانی - دستوری» و «زمینه‌ای - اجتماعی» بستگی دارد (عبداله خانی، ۱۳۸۹: ۳۰۴). عامل زیانی - دستوری مربوط به بازیگر امنیتی‌ساز و توانایی وی در استفاده از واژگان و مفاهیم است (عبداله خانی، ۱۳۸۹: ۳۰۴). برای مثال واژگانی نظیر سلاح هسته‌ای، شک و تردید، حمله، تهدید و ... در رسانه‌های غربی و واژگانی نظیر پنهانکاری، قصور، نگرانی و ... در قطعنامه‌های آژانس واجد ویژگی ارزش‌دهی منفی است.

هر کدام از این واژگان و عبارات، به عنوان داده‌های پژوهش در کنش کلامی رسانه‌های غرب و قطعنامه‌های آژانس در مورد برنامه هسته‌ای ایران کاربرد فراوانی دارد و نشان‌دهنده بزرگنمایی و برساخته کردن این برنامه توسط بازیگران غربی است. علاوه بر این، عامل زمینه‌ای - اجتماعی به شرایط زمانی و مکانی‌ای که پدیده

در آن قرار گرفته و میزان همگونی آن با زمینه و بافتاری که در آن پدیده آمده است، مرتبط است (عبداله خانی، ۱۳۸۹: ۳۰۴). لذا بازیگران غربی بویژه آمریکا به عنوان صاحبان گفتمان مسلط باید از ابتدا در نقش بازیگران امنیت‌ساز، تهدید هسته‌ای ایران را در فضای بین‌ذهنی سایر کشورها و افکار عمومی جهانی بر ساخته و بزرگنمایی کنند (سعیدی، ۱۳۹۱: ۱۴۴). پس به تبع آن رسانه‌های غربی و آژانس با بکارگیری واژگان و عبارات، در تلاشند تا برنامه هسته‌ای ایران را برجسته کنند.

از این رو کنش گفتاری موفقیت‌آمیز تلفیقی است از زبان و جامعه، ویژگی‌های ذاتی و ویژگی‌های گروهی که اجازه انجام کنش گفتاری را می‌دهد و آن را به رسمیت می‌شناسد (بوزان، ویور و دوو یلد، ۱۳۹۲: ۶۵).

۳. کنش کلامی رسانه‌های غربی علیه فعالیت هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران

از زمان اوج‌گیری انتقادات مجامع بین‌المللی از برنامه هسته‌ای ایران، تاکنون رسانه‌های جهانی به پیگیری و تحلیل لحظه به لحظه رویدادها در این رابطه پرداختند. بویژه اینکه رسانه‌ها بر اتهامات مقاصد غیر صلح‌آمیز ایران در پیگیری فعالیت هسته‌ای تاکید کردند (احدی، ۱۳۸۸: ۲۵۳). در واقع از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به دلیل نوع تعریف از هویت این انقلاب، نگاه بازیگران غربی به ایران در مقایسه با پیش از انقلاب بسیار تغییر کرده و در نتیجه رسانه‌های غرب نیز به تبعیت از سیاست‌های حاکم رویکردی متفاوتی به ایران در مقایسه با گذشته اتخاذ کرده‌اند (بیچرانلو، ۱۳۸۸: ۸۶). دامنه و پوشش خبری رسانه‌های غربی نسبت به برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بعد از گذشت ده سال موجب شده که افکار عمومی جهان، به سمت امنیتی ساختن این فعالیت سوق داده شود.

پخش گزارش از شبکه تلویزیونی سی.ان.ان^۱ در دسامبر ۲۰۰۲ و نمایش عکس‌های ماهواره‌ای گرفته شده از تاسیسات هسته‌ای ایران، نقش موثری در افزایش هجوم تبلیغاتی علیه جمهوری اسلامی ایران داشته است. این موضوع زمانی جدی‌تر شد که صحت عکس‌های ماهواره‌ای گرفته شده از تاسیسات نطنز و اراک به تایید

^۱. CNN

رسید و تبلیغ در این باره، بتدریج در شبکه‌های خبری بین‌المللی گسترش یافت (فرقانی و احمدی، ۱۳۹۰: ۶۵). از این‌رو جنگ رسانه‌ای غرب علیه فعالیت هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و اقدامات رسانه‌ای غربی پس از تصویب قطعنامه‌های شورای حکام و شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران شدت یافت. رسانه‌های غربی نه تنها حامی گفتمان مسلط در طی سال‌های گذشته بودند، بلکه در نقش بازیگران امنیت‌ساز همسو با سیاست دولت متبوعشان تأثیر بسیاری بر فعالیت هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و تبدیل به یک وضعیت امنیتی داشته‌اند.

بنابراین به هنگام بررسی نقش ایدئولوژیک رسانه‌های خبری بررسی سرمقاله‌ها، اهمیت خاصی دارد. چراکه سرمقاله‌ها نمودی از «نگاه عمیق‌تر ایدئولوژیک مدیران و مالکان روزنامه است». اهمیت سرمقاله‌ها زمانی که به موارد کمتر آشنا مانند حیطه پیچیده‌تر سیاست خارجی می‌پردازند مضاعف می‌شود، زیرا گزارش آن‌ها بر چگونگی درک مردم و سیاست‌گذاران از دیگر مردمان و مناطق دنیا تأثیر می‌گذارد (ایزدی و سقا بی‌ریا، ۱۳۸۷: ۱۰۲). از این‌رو داده‌های این بخش از پژوهش، شامل سرمقالات چهار روزنامه واشنگتن پست، گاردین، وال استریت ژورنال و دیلی تلگراف است که به صورت تصادفی و هدفمند انتخاب شده‌اند. به منظور نشان دادن کنش کلام این روزنامه‌ها ۸۰ سرمقاله از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ با توجه به مناقشه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گرفته است.

این چهار روزنامه از طریق برساختن تهدید هسته‌ای ایران، فعالیت‌های صلح‌آمیز ایران را به عنوان عامل ناامنی جهانی جلوه می‌دهند و بر رفتارها و مواضع سایر کشورها در قبال آن تأثیر می‌گذارند (سعیدی، ۱۳۹۶: ۱۴۵). به گونه‌ای که تجلی هر موضوع به مثابه تهدید در اذهان افراد جامعه، بسیار مهم‌تر از وجود پدیده عینی تهدیدآمیز اما بدون تجلی اجتماعی آن است. اعتقاد به «تجلی تهدید» و «پذیرش عمومی» دو بخش مهم منطق امنیتی کردن را شکل می‌دهد. به طوری که هیچ یک از این دو به طور جداگانه تأثیرات مورد انتظار از امنیتی کردن را محقق نمی‌کنند (دهقانی فیروز آبادی و قرشی، ۱۳۹۱: ۱۶-۱۵). آمریکا و اسرائیل، مدت طولانی

ایران را متهم می‌کنند که در پی دستیابی به سلاح هسته‌ای است اما معتقدند که ابهامات فراوانی هم از لحاظ مقاصد ایران و هم قابلیت ایران به عنوان دولت دارنده سلاح هسته‌ای وجود دارد (Entessar, 2009: 28).

به منظور درک بهتر امنیتی ساختن برنامه هسته‌ای ایران در سرمقالات روزنامه‌های غربی، واژگانی را انتخاب کرده‌ایم. انتخاب این واژگان در سرمقالات روزنامه‌ها موجب برجسته‌سازی و شکل دادن به تصویر ذهنی مخاطب می‌گردد. در واقع این رسانه‌ها با استفاده از سیاست گفتاری سعی در تهدید جلوه دادن فعالیت هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران دارند. در سرمقالات این چهار روزنامه که به صورت هدفمند و تصادفی در طی ده سال انتخاب شده، ما با واژگان و عباراتی مواجه می‌شویم که همگی کنش کلام و امنیتی ساختن فعالیت هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را در جهان نشان می‌دهد. امنیتی ساختن محدود به استفاده و انتخاب واژگانی نظیر بمب، سلاح هسته‌ای، شک و تردید، حمله، تعلیق و توقف، تهدید تحریم، پنهانکاری نمی‌شود بلکه ساختار جملات حاوی بار منفی هم موجب تشدید این روند می‌گردد.

بر اساس مکتب کپنهاگ در درجه اول، امنیت اقدام گفتاری است. این مسئله از آنجا ناشی می‌شود که مکتب کپنهاگ زبان را کارکردی می‌داند. بر همین اساس امنیت نشانه‌ای برای اشاره به واقعیت نیست، بلکه بیان، خود یک اقدام و عمل است و آنچه برای امنیت مهم و سرنوشت ساز تلقی می‌گردد همان چیزی است که زبان می‌سازد (عبداله‌خانی، ۱۳۸۹: ۳۰۲). جدول (۱) و نمودار (۱) دال بر این مدعاست که رسانه‌های قدرتمند در پی امنیتی ساختن برنامه هسته‌ای ایران از طریق کنش کلام در عرصه بین‌المللی هستند.

۳-۱. تحلیل داده‌ها

از دیدگاه بازیگران غربی، هدف جمهوری اسلامی ایران از دانش هسته‌ای، دستیابی به سلاح هسته‌ای یا جنگ افزارهای کشتار جمعی بوده است. بنابراین مقابله با فناوری چرخه تولید سوخت هسته‌ای ایران، یک مسئولیت است (ایزدی، ۱۳۸۹: ۱۴۳). با نگاهی دقیق به سرمقالات این چهار روزنامه درخواستیم یافت که اصطلاح

بمب و سلاح هسته‌ای برجسته‌ترین و پرکاربردترین واژه در نمودار (۱) برای فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در این رسانه‌ها است. با وجود اینکه داده‌ها به صورت هدفمند و تصادفی انتخاب شده، اما در سرمقالات منتخب و مورد بررسی چهار روزنامه ۲۲ بار از این واژه در عباراتی نظیر «اسرائیل برای سلاح-های هسته‌ای ایران هشدار می‌دهد»، «کالین پاول؛ ایران در پی بمب هسته‌ای است»، «اگر ایران به بمب هسته‌ای دست یابد چه می‌شود؟»، «ایران می‌تواند در طی ۱۰ ماه بمب هسته‌ای را درست کند» استفاده شده که به کرات به چشم می‌خورد.

از دید مکتب کینهاگ این عدم قطعیت است که فرایند امنیتی ساختن را تعریف می‌کند. هر مسئله‌ای قابلیت امنیتی شدن را دارد به شرطی که بتوان آن را به نقطه‌ای رساند که در نقش تهدید وجودی پذیرفته شود (عبداله خانی، ۱۳۸۹: ۳۰۹). در سرمقالات این چهار روزنامه ۵ بار از واژه شک و تردید بکار گرفته شده که به طور آشکاری مشخص نمی‌کند که فعالیت هسته‌ای ایران صلح‌آمیز یا غیر صلح‌آمیز است. در واقع استفاده از جملاتی نظیر؛ «شک و تردید از اهداف فعالیت هسته‌ای ایران»، «سازمان ملل ابزارهای غنی‌سازی اورانیوم در ایران کشف کرد، این کشف موجب تردید و شک دوباره در اهداف هسته‌ای ملت ایران گردید»، «بازرسان سازمان ملل ادعا می‌کنند نسبت به فعالیت هسته‌ای ایران تردید دارند» موجب می‌گردد که افکار عمومی جهان نسبت به اهداف هسته‌ای ایران با شک و تردید نگاه کنند.

از بعد سیاسی، حمله نظامی نیازمند شرایطی است که از نظر بین‌المللی به عنوان آخرین راه حل علیه ایران مطرح می‌گردد. قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران به دلیل تخطی ایران از آن. پی. تی.^۱ یا خروج از این پیمان می‌تواند مشروعیت لازم را برای حمله به ایران بوجود آورد (رودلف، ۱۳۸۴: ۲۳). بر اساس گزارش پنتاگون، حمله آمریکا در راستای حفظ برتری اسرائیل و پیشبرد منافع راهبردی آمریکا است. از نظر مقامات اسرائیل جاه طلبی فعالیت هسته‌ای ایران نه تنها برای اسرائیل بلکه برای کل کشورهای خاورمیانه و جهان خطرناک خواهد-

^۱ Non-Proliferation Treaty

بود (جعفری، ۱۳۸۸: ۱۴۶). بنابراین از منظر نظریه امنیتی ساختن، بازیگر امنیتی ساز نقش بسیار کلیدی و گسترده‌ای بر عهده دارد. زیرا تا قبل از آنکه او مفهوم امنیت را در خصوص پدیده‌ای بکار ببرد، اساساً چیزی به نام امنیت بوجود نمی‌آید. بنابراین تنها شرط حدوث امنیت بیان آن از سوی بازیگر امنیتی ساز است (عبداله خانی، ۱۳۸۹: ۳۱۰). نتایج بدست آمده در نمودار (۱) و جدول (۱) نشان می‌دهد که در سرمقالات منتخب این چهار روزنامه ۹ بار واژه حمله، علیه ایران بکار گرفته شد. این واژه حمله، در جملاتی همچون «پنتاگون هشدار داد: تمرین جت‌های اسرائیل برای حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران»، «حمله به ایران، ممکن است تروریسم را هدف قرار بدهد؛ روش کارشناسی شده آمریکا در حمله نظامی علیه برنامه هسته‌ای»، «حمله به ایران در حال حاضر از فجایع بعدی جلوگیری می‌کند» دیده می‌شود. این روزنامه‌ها به عنوان بازیگران امنیتی ساز با بیان و انتخاب این واژگان در پی جلب رضایت مخاطب خود برای تهدید جلوه دادن برنامه هسته‌ای ایران، هستند.

با تمام این اوصاف ایران در این سال‌ها همواره بر این مسئله تاکید کرده که فعالیت‌های هسته‌اش صلح‌آمیز بوده و به هیچ وجه در صدد دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی نبوده است (فتحی، ۱۳۸۳: ۲۲). اما در سرمقالات منتخب این چهار روزنامه ۷ بار واژه تعلیق و توقف بکار گرفته شده است. این واژگان در جملاتی نظیر؛ «بنیامین نتانیاهو خواستار متوقف کردن فعالیت هسته‌ای ایران است»، «آمریکا در پی تعلیق فعالیت هسته‌ای ایران است»، «سایت‌های هسته‌ای ایران به طور موقت به حالت تعلیق در آمد»، «بنیامین نتانیاهو وعده داد که جاه‌طلبی هسته‌ای ایران را متوقف می‌کند» در قالب ساختارهای متفاوت برای همراه ساختن و جلب افکار عمومی بکار گرفته شده است.

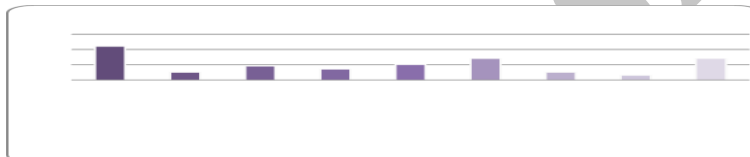
مفهوم‌سازی مکتب کپنهاگ از امنیت در وهله اول به عنوان یک کنش کلامی، انتقال مواد کلامی و متنی از بازیگر به مخاطب است، به عقیده مکتب کپنهاگ پذیرش مخاطب در زمینه تهدید ارزیابی کردن یک موضوع بسیار حائز اهمیت است (Walker, Seegers, 2012:24). بررسی‌ها نشان دهنده این واقعیت است که ۱۰

بار از واژه تهدید، در ساختار جملاتی نظیر «ایران سومین تهدید هسته‌ای برای ایالات متحده به شمار می‌آید»، «بوش تاکید دارد؛ ایران هسته‌ای یک تهدید است»، «تهدید هسته‌ای ایران» به طور مکرر استفاده گردیده‌است. در واقع این روزنامه‌ها به عنوان بازیگر امنیتی‌ساز در پی انتقال کلام و واژگانی هستند که موجب می‌گردد این تصویرسازی و بازنمایی از برنامه هسته‌ای ایران، عین واقعیت پنداشته شود.

تحریم ایران، جز اساسی‌ترین موضوعاتی است که در قبال دنبال کردن برنامه هسته‌ای برای ایران در نظر گرفته شده‌است. نتایج نشان می‌دهد که این واژه ۱۴ بار در سرمقالات روزنامه‌های مورد مطالعه، در جملاتی نظیر؛ «پذیرش نیروگاه هسته‌ای ایران، تحریم‌های بیشتری به ارمغان می‌آورد»، «برنامه هسته‌ای ایران به عنوان تهدیدی در نظرسنجی‌ها؛ اکثر آمریکایی‌ها بازگشت تحریم‌های گسترده‌تری علیه ایران را خواستارند»، «ایالات متحده و متحدانش برای ایران تحریم‌هایی پیشنهاد کردند»، «اسرائیل علاقمند به تحریم‌های بیشتر علیه ایران است» بکار گرفته شده‌است. در واقع استفاده مکرر از این واژه ذهن مخاطب را در توجه خاص به یک رویداد شکل می‌دهد. نتایج بر اساس جدول (۱) و نمودار (۱) نشان می‌دهد که واژگان پنهانکاری و نگرانی به ترتیب ۳ و ۵ بار در سرمقالات این چهار روزنامه بکار رفته‌است. این واژگان در جملاتی نظیر «هشدار ناظران هسته‌ای سازمان ملل: ایران سایت‌های هسته‌ای پنهانی بیشتری دارد»، «بازرسان سازمان ملل از مراحل نگران‌کننده فعالیت هسته‌ای ایران گزارش می‌دهند»، «ما باید درباره ایران هسته‌ای بسیار نگران باشیم»، «ایران، رازهای هسته‌ای خود را پنهان می‌کند» استفاده شده، که سبب می‌شود ذهنیت مخاطب نسبت به برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران امنیتی گردد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که ۱۴ بار در سرمقالات این روزنامه‌ها جملاتی حاوی بار منفی وجود دارد. ممکن است در این سرمقالات به حمله، تهدید، شک و تردید، تحریم، نگرانی، پنهانکاری، تعلیق و توقف اشاره نگردد. اما وقتی این واژه‌ها و عبارات در ساختار متن سرمقالات قرار می‌گیرند گویای بار منفی برای عملکرد ایران در عرصه بین‌المللی است که موجب می‌گردد، ایران به عنوان یک کنشگر منفی در منطقه و

جهان قلمداد گردد. از اینرو استفاده از سرمقالاتی نظیر «معامله هسته‌ای با ایران جهان را به مکانی امن تبدیل خواهد کرد»، «ایران پیشنهاد برای مذاکرات هسته‌ای را رد کرد»، «چگونه با ایران مذاکره کنیم؟»، «رایس، درباره برنامه‌های هسته‌ای ایران هشدار می‌دهد» موجب می‌شود که همچنان روند امنیتی ساختن برنامه هسته‌ای ایران ادامه یابد. بازیگران امنیت‌ساز سعی می‌کنند که از طریق عبارت‌سازی و تکرار این سرمقالات، مخاطبان خود را از وجود یک تهدید جدی و فوری مطلع کنند. جدول و نمودار زیر این روند امنیتی ساختن را از طریق انتخاب واژه‌ها و عبارات و تکرار آنها نشان داده‌است

نمودار (۱): بر اساس سرمقالات چهار روزنامه (گاردین، دلی تلگراف، واشنگتن پست، وال استریت ژورنال)



جدول (۱): واژگان و عبارات حاوی بار منفی در چهار روزنامه غربی

عبارات و واژگان	گاردین	دلی تلگراف	واشنگتن پست	وال استریت ژورنال	جمع کل
بمب، سلاح هسته‌ای	۵	۷	۴	۶	۲۲
شک و تردید	۲	-	۲	۱	۵
حمله	۴	۱	۱	۳	۹
تعلیق و توقف	۲	۱	۳	۱	۷
تهدید	۳	۳	۲	۲	۱۰
تحریم	۳	۴	۳	۴	۱۴
پنهانکاری	۲	۲	۱	-	۵
نگرانی	-	۲	۱	-	۳
جملات حاوی بار منفی	۲	۳	۵	۴	۱۴

۴. کنش کلامی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه فعالیت هسته‌ای ایران

شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به عنوان مرجع مهم صدور قطعنامه، از سال ۲۰۰۳ تاکنون چندین قطعنامه در مورد فعالیت هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران تصویب کرده و در قطعنامه‌های تصویب شده خود، ایران را بارها مورد انتقاد قرار داده است. (گلشن پژوه، ۱۳۸۷: ۸۱-۸۲). آژانس به وضوح و بارها در گزارش‌های خود فقدان شفافیت و عدم همکاری ایران با آژانس را نشان داده، و متذکر شده ایران رفتارهای مخفی خود را در پوشش برنامه چرخه سوخت هسته‌ای، پنهان می‌کند (Kutchesfahani, 2006: 8). همچنین ادبیات به کار رفته در قطعنامه‌های شورای حکام اتهامی است و نه انتقادی (عسگری، ۱۳۸۵: ۵۳). نمودار و جدول شماره (۲)، دال بر این مدعا است.

۴-۱. تحلیل داده‌ها

داده‌های این بخش از پژوهش، براساس واژگان و عبارات حاوی بار منفی است که پژوهشگران این پژوهش با مطالعه مستقیم، ۱۲ قطعنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در طی ده سال استخراج کرده‌اند. جدول (۲) و نمودار (۲)، براساس این داده‌ها، در فاصله زمانی ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ ترسیم شده است. در تمام قطعنامه‌های این ده سال آژانس به وفور از واژگان و عباراتی استفاده کرده که سبب امنیتی ساختن برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در جامعه بین‌المللی گردیده است. استفاده آژانس از این واژه‌ها و عبارات موجب گردیده تا برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران از شرایط سیاست عادی خارج شود که با وضعیت امنیتی شدن مواجه خواهیم شد. از اینرو جمهوری اسلامی ایران به عنوان بازیگری منفی در قطعنامه‌ها به تصویر کشیده شده است. همچنین به ظاهر برخی واژگان و عبارات بکار رفته در این نمودار بار منفی ندارد اما اگر این عبارات و واژگان درون متن و پیش فرض های متن تحلیل گردد، متوجه می‌شویم که کاملاً بار امنیتی دارد و تکرار این واژگان موجب شک و تردید در مخاطبان، دیپلمات‌ها و افکار عمومی نسبت به فعالیت هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران می‌گردد. در قطعنامه‌های آژانس چنین ادعا می‌شود که ایران علاوه بر

پنهانکاری فعالیت‌های هسته‌ای خود که بعد کشف شده، موارد بسیاری را هنوز مبهم باقی گذاشته یا آن را پنهان می‌کند (احدی، ۱۳۸۸: ۲۵۷). آژانس، در قطعنامه‌های تصویب شده، ایران را متهم به پنهانکاری چیزی می‌کند که اساساً وجود ندارد (امیدی و نصری، ۱۳۸۶: ۲۸۱). بر اساس جدول (۲) واژه پنهانکاری ۶ بار در قطعنامه‌های آژانس، در جملاتی نظیر «سیاست پنهانکاری ایران تا اکتبر ۲۰۰۳ سبب نقض در تعهدات ایران برای پایبندی به ان.پی.تی گردیده است»^۱ GOV/2004/90، «عدم اعتماد به مقاصد صلح‌آمیز فعالیت هسته‌ای ایران که ناشی از تاریخچه پنهانکار فعالیت هسته‌ای، ماهیت این فعالیت‌ها و سایر مسائل برخاسته از راستی آزمایی از اظهارات ایران از سپتامبر ۲۰۰۲ است»^۲ GOV/2006/14 بکار رفته است. هم‌چنان که داده‌های جدول و نمودار (۲) نشان می‌دهد، ۱۷ بار واژه قصور در قطعنامه‌های آژانس بکار رفته است. بکارگیری این واژه در جملاتی نظیر «قصور جمهوری اسلامی ایران در گزارش مواد، تاسیسات و فعالیت‌هایی که به موجب پادمان موظف به انجام آن بود»^۳ «شواری حکام تصمیم می‌گیرد، هر قصور جدی از طرف ایران باید روشن گردد و شورا بلافاصله تشکیل جلسه دهد»^۴ در قطعنامه بکار گرفته شده است. در واقع استفاده مکرر از این واژه و بکارگیری آن در جملات متفاوت موجب می‌گردد که این موضوع از حوزه فنی و حقوقی وارد حوزه امنیتی گردد. واژه نگرانی ۳۸ بار در قطعنامه‌های آژانس بکار گرفته شده، که هیچ توجیه فنی و حقوقی ندارد. در صورتی که جمهوری اسلامی ایران همواره به تعهدات خود پایبند بوده و بازرسی‌های آژانس بدون هیچ مانعی همواره ادامه دارد. حتی جمهوری

^۱ رجوع کنید به بند ۴ قطعنامه GOV/2004/90 در تاریخ ۲۹ نوامبر ۲۰۰۴ و بند e قطعنامه GOV/2005/64 در تاریخ ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۵

^۲ رجوع کنید به بند g قطعنامه GOV/2006/14 در تاریخ ۴ فوریه ۲۰۰۶

^۳ رجوع کنید به بند a قطعنامه GOV/2003/69 در تاریخ ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۳، تکرار این واژه در بندهای ۲ و ۴ این قطعنامه

2. Calls on Iran to ensure there are no further failures to report material, facilities and activities that Iran is obliged to report pursuant to its safeguards agreement

4. Decides it is essential and urgent in order to ensure IAEA verification of non-diversion of nuclear material that Iran remedy all failures identified by the Agency and cooperate fully with the Agency to ensure verification of compliance with Iran's safeguards agreement by taking all necessary actions by the end of October 2003, including

^۴ رجوع کنید به بند ۸ و بند ۲ قطعنامه GOV/2003/81 در تاریخ ۲۶ نوامبر ۲۰۰۳

اسلامی ایران برای آژانس، دسترسی نامحدود و حتی فراتر از تعهدات پادمانی‌اش برای بازرسان آژانس قائل است. در حقیقت این نوع کنش کلام آژانس به عنوان بازیگر امنیتی‌ساز درباره فعالیت هسته‌ای ایران، موجب بزرگنمایی و تهدید انگاشتن این فعالیت‌ها می‌گردد.

غیر حقوقی‌ترین بخش از عملکرد آژانس که در قطعنامه‌های صادره علیه ایران منعکس شده، الزام ایران به امضا و تصویب پروتکل است در حالی که اصل "رضایت کشورها" به عنوان مبنای پذیرش تعهدات بین‌المللی و ضرورت تصویب هر گونه توافق بین‌المللی از سوی نهادهای قانونگذار داخلی طبق قانون اساسی کشورها پایه دموکراسی تلقی می‌شود. شورای حکام در قطعنامه‌هایی که علی‌الصول لازم‌الاجرا است، رسماً از ایران خواسته‌است فوراً پروتکل الحاقی را امضا نموده و به تصویب مجلس برساند (عسگری، ۱۳۸۵: ۵۶). نتایج نشان می‌دهد که ۳۵ بار از عبارت پروتکل الحاقی در این قطعنامه‌ها استفاده شده، تکرار این عبارت توسط آژانس، نوعی تصویرسازی منفی از فعالیت هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را ایجاد کرده است. در صورتی که اجرای پروتکل الحاقی از لحاظ حقوقی اختیاری است و جمهوری اسلامی ایران به مدت دو سال و نیم آن را اجرا کرده‌است. اما نوع کنش کلام آژانس و کشورهای غربی بویژه آمریکا همواره به گونه‌ای بوده که آن را اجباری نشان می‌دهند.

اورانیوم بسیار غنی شده که توسط بازرسان آژانس کشف شده، مربوط به آلودگی وسایل و تجهیزات دست دومی که ایران خریداری کرده‌است (قائم پناه: ۱۳۸۵، ۲۷). اما بررسی قطعنامه‌ها نشان می‌دهد که آژانس ۵ بار در قطعنامه‌های اولیه خود از این واژه استفاده کرده که موجب می‌گردد که افکار عمومی را تحت تأثیر خود قرار دهد. در واقع این قبیل گفتارها خود نوعی عمل یا اقدام هستند، یعنی با بر زبان راندن واژه‌ها، در واقع عملی انجام می‌شود (نصری، ۱۳۹۰: ۱۲۷). آژانس ۱۲ بار از عبارت فعالیت هسته‌ای اظهار نشده و ۷ بار از عبارت ابعاد نظامی احتمالی در قطعنامه‌های خود استفاده کرده و این در حالی است که تاکنون در بازرسی‌های آژانس مدرکی

درباره فعالیت‌های اظهار نشده هسته‌ای و ابعاد نظامی احتمالی یافت نشده است. از این رو به کارگیری این واژه‌ها و عبارات در قطعنامه‌ها موجب گردیده با وجود اینکه تهدید عینی درباره غیر صلح‌آمیز بودن فعالیت هسته‌ای ایران وجود ندارد اما به مثابه یک تهدید قلمداد شود.

داده‌های جدول و نمودار (۲)، نتایج نشان می‌دهد که ۵ بار از عبارت اظهار تاسف در این قطعنامه‌ها استفاده شده است. این عبارت در جملاتی نظیر؛ «اظهار تاسف عمیق از قصورها و نقض تعهدات ایران در پایبندی به مفاد موافقت‌نامه پادمان» (GOV/2003/81)، «اظهار تاسف می‌کند که ایران، همانطور که در گزارش مدیرکل آمده، در نامه ۲۱ اکتبر ۲۰۰۳ خود که باید دامنه کامل از فعالیت‌های هسته‌ای ایران و گاه شمار کاملی از تحقیق و توسعه سانتیریفیوژ P2 و تحقیقات وابسته و فعالیت‌های مکانیکی که مدیرکل به عنوان نگرانی جدی از آن یاد می‌کند، بویژه با توجه به اهمیت و حساسیت فعالیت‌ها ارائه کرد به هیچ موضوعی اشاره نکرده - است» (GOV/2004/21)، «اظهار تاسف می‌کند، که در گزارش‌های کتبی و شفاهی مدیرکل اشاره شده که همکاری ایران به موقع، فعال و کامل نبوده - است» (GOV/2004/49)، «اظهار تاسف از این واقعیت که ایران تا به امروز از توجه به درخواست‌های شورای حکام در قطعنامه ۱۱ اوت ۲۰۰۵ مبنی بر شروع مجدد تعلیق کامل از تمام فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی از جمله تولید مواد تزرکی و..... خودداری کرده است» (GOV/2005/79)، «عمیقاً اظهار تاسف می‌کند که با وجود درخواست‌های مکرر شورای حکام برای ادامه تعلیق همه فعالیت‌های مرتبط با غنی - سازی و بازفرآوری که شورا آن را برای حل و فصل مواد باقیمانده ضروری اعلام کرده است. ایران فعالیت‌های تبدیل اورانیوم را در ۸ اوت ۲۰۰۵ در تاسیسات اصفهان را دوباره شروع کرده و در جهت از سرگیری فعالیت‌های غنی‌سازی در ۱۰ ژانویه ۲۰۰۶ گام‌هایی برداشته است» (GOV/2006/14).^۱

^۱ راجوع کنید به بند ۲ قطعنامه GOV/2003/81 در تاریخ ۲۶ نوامبر ۲۰۰۳، بند ۴ قطعنامه GOV/2004/21 در تاریخ ۱۳ مارس ۲۰۰۴، بند ۲ قطعنامه GOV/2004/49 در تاریخ ۱۸ ژوئن ۲۰۰۴، بند K قطعنامه GOV/2005/77 در تاریخ ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۵، بند ۴ قطعنامه GOV/2006/14 در تاریخ ۴ فوریه ۲۰۰۶

شورای حکام در قطعنامه‌های خود، اساسنامه آژانس را به کلی نادیده گرفته و خواستار تعلیق کامل برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران شده‌است. مواد ۲ و ۳ اساسنامه آژانس و مواد ۳ و ۴ معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای حق استفاده صلح‌آمیز از انرژی و برخورداری از دانش هسته‌ای را حق همه کشورها می‌داند، و حتی در بند ۱ ماده ۴ پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای تصریح شده است که هیچ یک از مقررات این پیمان به نحوی تفسیر نخواهد شد که به حقوق غیر قابل انکار تفویض دولت‌های طرف پیمان در راه توسعه تحقیقات و تولید و بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای در مقاصد صلح جویانه لطمه وارد سازد (کوشا و اسکندری، ۱۳۹۰: ۳۸۲). در صورتی که جمهوری اسلامی ایران بیش از دو سال و نیم فعالیت‌های غنی‌سازی خود را به صورت داوطلبانه به حالت تعلیق درآورده‌است. بیشترین واژه بکار رفته در قطعنامه‌های آژانس، بر اساس جدول و نمودار (۲)، واژه تعلیق است که ۴۷ بار استفاده گردید. استفاده مکرر از این واژه به بازیگری امنیتی ساز اجازه می‌دهد تا موافقت مخاطب خود را بدست‌آورد.

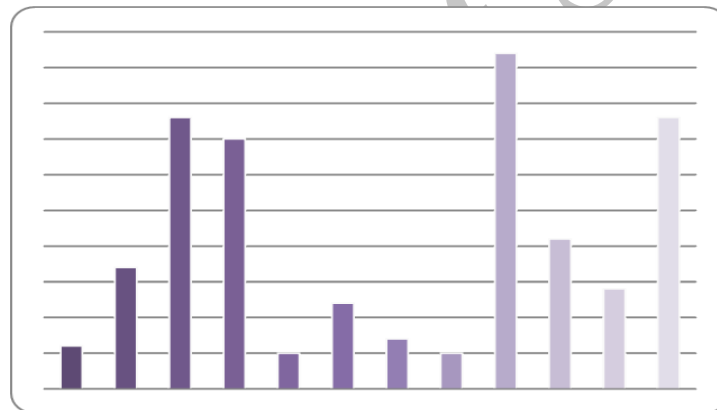
آژانس بر مفاهیمی انتزاعی نظیر؛ شفافیت، اعتمادسازی، راستی‌آزمایی و عبارت مشابه بدون اینکه حدود مرز این مفاهیم مشخص باشد تکیه می‌کند. تکیه دائمی بر این مفاهیم انتزاعی در واقع منجر به ابهام در سرنوشت پرونده و روشن نبودن افق نهایی آن می‌شود (عسگری، ۱۳۸۵: ۵۳). در قطعنامه‌های آژانس ۳۸ بار از واژه اعتمادسازی، ۱۴ بار از واژه شفافیت، ۲۱ بار از واژه راستی‌آزمایی استفاده شده که شاید در نگاه اول ذهن مخاطب خود را درگیر نکند و موجب بار منفی برای فعالیت هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران همانند واژه‌هایی مانند نگرانی، قصور و پنهانکار و... نگردد. اما استفاده مکرر این واژگان بویژه در ساختار متن سبب تشدید بار امنیتی ساختن فعالیت هسته‌ای صلح‌آمیز جمهوری اسلامی ایران گردیده است.

بنابراین ضروری نیست هر واژه‌ای، لزوماً بر خطری واقعی دلالت کند، بلکه گفتار فی نفسه عمل است. به محض اینکه تهدید وجودی معرفی یا تلقین شد و

مخاطبان پر تعدادی این گزارش یا تلقین را پذیرفتند، آنگاه سیاست امنیتی کردن موفق شده است (نصری، ۱۳۹۰: ۱۲۷).

بنابراین کنش کلامی مذاکره بین امنیت سازان و مخاطبان است و نقش مخاطبان بسیار حیاتی است، چراکه مخاطبان امنیت سازان را حمایت می کنند (Roe, 2008:618). از سوی دیگر سیاست امنیتی دیدن، لزوماً اظهاری و اعلانی نیست. در بعضی مواقع، ممکن است دستگاه‌های تبلیغی در مورد فوریت و شدت یک خطر سخنان بسیج کننده «برای نیروهای هوادار» و هراس‌انگیز «علیه بازیگران خارجی»، موضعی اتخاذ کنند. واژه‌های جایگزین امنیت، بعضاً همان کاری را می‌کنند که امنیت می‌کند (نصری، ۱۳۹۰: ۱۲۷).

نمودار (۲): براساس قطعه‌نامه‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی^۱



^۱ این جدول شامل مهم‌ترین واژه‌های ذکر شده در قطعه‌نامه‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است. جهت اطلاع بیشتر رجوع کنید به قطعه‌نامه‌های زیر

GOV/2003/69, GOV/2003/81, GOV/2004/21, GOV/2004/49, GOV/2004/79, GOV/2004/90, GOV/2005/64, GOV/2005/77, GOV/2006/14, GOV/2009/82, GOV/2011/69, GOV/2012/50

جدول (۲). واژگان و عبارات حاوی بار منفی در قطعه‌نامه‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

قطعه‌نامه های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (۲۰۰۳ - ۲۰۱۳)	بهاکناری	تصویر	نگارنی	پروتکل الحاقی	اورا نوم پستار غنی	فعالیت های اظهار	ایساد نظامی	اظهار تاسف	تعلیق	راستی آموزی	شفاقیت	اعتماد سازی
GOV/2003/69												
GOV/2003/81												
GOV/2004/21												
GOV/2004/49												
GOV/2004/79												
GOV/2004/90												
GOV/2005/64												
GOV/2005/77												
GOV/2006/14												
GOV/2009/82												
GOV/2011/69												
GOV/2012/50												
جمع		۷	۸	۵		۲			۷	۱	۴	۸

نتیجه‌گیری

در این نوشتار تلاش شده تا با مروری بر مفهوم امنیت از دیدگاه مکتب کپنهاگ به عنوان حوزه‌ای برای مطالعات انتقادی امنیت، موضوع امنیتی برنامه هسته‌ای ایران مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. از دیدگاه مکتب کپنهاگ امنیت صرفاً وضعیتی عینی نیست، بلکه می‌تواند عامل گفتاری و زبانی باشد و با بیان بازیگر امنیت‌ساز از بار امنیتی یک موضوع اضافه یا کاسته می‌شود. بر همین مبنا در تشریح این موضوع که رویکرد رسانه‌های غربی و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در امنیتی ساختن فعالیت هسته‌ای ایران چگونه است، چرا روزنامه‌های پر مخاطب غرب و آژانس بین‌المللی

انرژی اتمی از واژگان و عباراتی حاوی بار منفی برای بزرگنمایی برنامه هسته‌ای ایران استفاده می‌کنند، فرضیه نوشتار تأیید می‌شود که رسانه‌های غربی و آژانس در برساختگی بار امنیتی برنامه هسته‌ای ایران نقش مؤثری داشته‌اند. این رسانه‌ها و آژانس با انتخاب واژگان و عبارات حاوی بار منفی، به عنوان ابزاری برای امنیتی ساختن برنامه هسته‌ای ایران، در تلاشند که فضای ذهنی مخاطبان و بازیگران منطقه-ای و جهانی را از برنامه هسته‌ای ایران منفی نمایند. امنیت در فضای بین‌ذهنی و گفتمانی مفهوم می‌یابد، از اینرو کنش کلام و نوع انتخاب واژگان و عبارات در سرمقالات این چهار روزنامه و قطعنامه‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همواره سبب برجسته شدن برنامه هسته‌ای ایران گردیده‌است. بنابراین رسانه‌ها و آژانس با انتخاب و استفاده مکرر از واژگان و عبارات منفی موجب برساختن تهدید هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران می‌شوند. این بزرگنمایی و تهدید جلوه دادن فعالیت هسته‌ای در اذهان مخاطبان بسیار مهم‌تر از وجود پدیده عینی تهدیدآمیز بوده است. روزنامه‌ها و آژانس به عنوان بازیگرانی امنیتی‌ساز با استفاده و انتخاب مکرر واژگانی نظیر سلاح هسته‌ای، شک و تردید، تعلیق، قصور و پنهان‌کاری و..... این برنامه را به مثابه تهدید و ناامنی جهانی جلوه داده‌اند. این بازیگران امنیتی‌ساز با انتخاب و استفاده مکرر واژگان و عبارات منفی موجب امنیتی ساختن برنامه هسته‌ای ایران در منطقه و جهان گردیده‌اند، همچنین بازیگران در پی دستیابی به رضایت افکار عمومی یا افزایش آن هستند. لذا تکرار مداوم این موضوع در بین اذهان عمومی تا حدودی توانسته‌است توجهی برای اقدامات پیشگیرانه و تنبیهی علیه برنامه هسته‌ای ایران باشد و این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران غنی‌سازی اورانیوم و استفاده مسالمت‌آمیز از فناوری هسته‌ای را حق مشروع و مسلم خود می‌داند.

یادداشت‌ها:

سرمقالات روزنامه گاردین

۱. اسرائیل برای سلاح‌های هسته‌ای ایران هشدار می‌دهد (۲۱ سپتامبر ۲۰۰۳)
۲. رامسفیلد معتقد است: ایران روی بمب هسته‌ای کار می‌کند (۱۲ ژانویه ۲۰۰۳)
۳. ایران سومین تهدید هسته‌ای برای ایالات متحده به شمار می‌آید (۱۱ فوریه ۲۰۰۳)

۴. شک و تردید از اهداف فعالیت هسته‌ای ایران (۲۰ نوامبر ۲۰۰۴)
 ۵. ایران غنی‌سازی اورانیوم را از سرگرفته‌است (۱۸ اگوست ۲۰۰۵)
 ۶. نه تحریم و نه بمب هسته‌ای ایران به پایان خواهد رسید (۱ ژانویه ۲۰۰۷)
 ۷. تهدید اسرائیل برای حمله به ایران (۷ ژوئن ۲۰۰۸)
 ۸. پنتاگون هشدار داد: تمرین جت‌های اسرائیل برای حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران (۲۱ ژانویه ۲۰۰۸)
 ۹. هشدار ناظران هسته‌ای سازمان ملل: ایران سایت‌های هسته‌ای پنهانی بیشتری دارد (۱۶ نوامبر ۲۰۰۹)
 ۱۰. گزارش مخفی آژانس: ایران روی کلاهک بمب هسته‌ای کار می‌کند (۲۸ سپتامبر ۲۰۰۹)
 ۱۱. پذیرش نیروگاه هسته‌ای ایران، تحریم‌های بیشتری به ارمغان می‌آورد (۲۶ سپتامبر ۲۰۰۹)
 ۱۲. اوپاما، ایران را متهم کرد که نیروگاه‌های هسته‌ای بیشتری را پنهان کرده‌است (۲۵ سپتامبر ۲۰۰۹)
 ۱۳. عربستان سعودی خواستار حمله آمریکا به ایران برای توقف برنامه هسته‌ای شد (۲۸ نوامبر ۲۰۱۰)
 ۱۴. سازمان ملل تحریم‌های جدیدی بر ایران تحمیل می‌کند (۹ ژانویه ۲۰۱۰)
 ۱۵. گزارش فعالیت هسته‌ای ایران: آژانس ادعا می‌کند تهران بر روی کلاهک بمب هسته‌ای پیشرفته کار می‌کند (۷ نوامبر ۲۰۱۱)
 ۱۶. برنامه هسته‌ای ایران ابعاد غیر نظامی را نشان نمی‌دهد (۸ نوامبر ۲۰۱۱)
 ۱۷. بنیامین نتانیاهو خواستار متوقف کردن فعالیت هسته‌ای ایران است (۲۸ سپتامبر ۲۰۱۲)
 ۱۸. اسرائیل به تمام برنامه تحقیقاتی هسته‌ای ایران شک دارد (۱۰ دسامبر ۲۰۱۲)
 ۱۹. اگر اسرائیل به نیروگاه هسته‌ای ایران حمله کند چه اتفاقی خواهد افتاد؟ (۴ نوامبر ۲۰۱۲)
 ۲۰. معامله هسته‌ای با ایران جهان را به مکانی امن تبدیل خواهد کرد (۲۷ نوامبر ۲۰۱۳)^۱
- سرمقالات روزنامه واشنگتن پست
۲۱. ایران برنامه هسته‌ای پنهانی دارد؛ سازمان ملل می‌گوید؛ هیچ مدرکی از برنامه تسلیحات هسته‌ای نیست (۱۱ نوامبر ۲۰۰۳)
 ۲۲. کالین پاول: ایران در پی بمب هسته‌ای است (۱۸ نوامبر ۲۰۰۴)
 ۲۳. سازمان ملل ابزارهای غنی‌سازی اورانیوم در ایران کشف کرد، این کشف موجب تردید و شک دوباره در اهداف هسته‌ای ملت ایران گردید (۲۰ فوریه ۲۰۰۴)
 ۲۴. آمریکا و فرانسه درباره فعالیت هسته‌ای ایران هشدار می‌دهند (۱۵ اکتبر ۲۰۰۵)
 ۲۵. ایران می‌گوید برنامه هسته‌ای خود را متوقف خواهد کرد، آمریکا و اروپا در سازمان ملل برای منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای تلاش می‌کنند (۴ مه ۲۰۰۵)
 ۲۶. ایران پیشنهاد برای مذاکرات هسته‌ای را رد کرد (۲۲ اوت ۲۰۰۶)
 ۲۷. آمریکا: ایران درباره فعالیت هسته‌ای خود سرپیچی کرده‌است؛ آمریکا به سازمان ملل برای تحریم‌های بیشتر فشار می‌آورد (۱ سپتامبر ۲۰۰۶)
 ۲۸. ایران روی طرح‌های تسلیحات هسته‌ای کار می‌کند، مقامات فرانسه: ادعا درباره فعالیت غیر نظامی ایران را قبول ندارند (۱۷ فوریه ۲۰۰۶)
 ۲۹. برنامه هسته‌ای ایران به عنوان تهدیدی در نظرسنجی‌ها؛ اکثر آمریکایی‌ها بازگشت تحریم‌های گسترده-تری علیه ایران را خواستارند (۳۱ ژانویه ۲۰۰۶)
 ۳۰. بوش هشدار داد ایران مجهز به سلاح هسته‌ای است، آمریکا به متحدانش برای اقدام در سازمان ملل فشار می‌آورد (۱۴ ژانویه ۲۰۰۶)

^۱ برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به سایت روزنامه گاردین <http://www.theguardian.com/uk>

۳۱. حمله به ایران، ممکن است تروریسم را هدف قرار بدهد؛ روش کارشناسی شده آمریکا در حمله نظامی علیه برنامه هسته‌ای (۲ آوریل ۲۰۰۷)
۳۲. مبارزه غرب برای توقف فعالیت هسته‌ای ایران هنوز موثر نیست (۲۷ می ۲۰۰۷)
۳۳. بوش تاکید دارد: ایران هسته‌ای یک تهدید است (۲۱ مارس ۲۰۰۸)
۳۴. سازمان ملل دور دیگری از تحریم‌ها را به ایران تحمیل کرد (۱۰ ژوئن ۲۰۱۰)
۳۵. اسرائیل از تلاش اوپاما برای ممانعت از جاه طلبی هسته‌ای ایران ناامید شده است (۲۲ می ۲۰۱۰)
۳۶. گزارش‌ها سرعت بالا رفتن فعالیت هسته‌ای ایران را نشان می‌دهد (۳ سپتامبر ۲۰۱۱)
۳۷. تهدید فزاینده برنامه هسته‌ای ایران (۷ نوامبر ۲۰۱۱)
۳۸. بازرسان سازمان ملل از مراحل نگران کننده فعالیت هسته‌ای ایران گزارش می‌دهند (۱۷ نوامبر ۲۰۱۲)
۳۹. آمریکا در پی تعلیق فعالیت هسته‌ای ایران است (۷ نوامبر ۲۰۱۳)
۴۰. جان کری: از معامله با ایران ابراز شک و تردید کرد (۲۴ نوامبر ۲۰۱۳)^۱
- سر مقالات روزنامه وال استریت ژورنال
۴۱. ایران به توانایی ساخت بمب هسته‌ای خود پایان می‌دهد (۴ اگوست ۲۰۰۳)
۴۲. مقابله با جاه طلبی هسته‌ای ایران (۲۲ اگوست ۲۰۰۵)
۴۳. بمب هسته‌ای ایران (۱۹ نوامبر ۲۰۰۶)
۴۴. ایالات متحده هنوز در پی تحریم ایران است (۵ دسامبر ۲۰۰۷)
۴۵. برخورد با جاه طلبی هسته‌ای ایران (۲۶ دسامبر ۲۰۰۷)
۴۶. ایالات متحده؛ در حال حاضر ایران بدنبال بمب هسته‌ای است (۱۲ فوریه ۲۰۰۹)
۴۷. ایران، سلاح‌ها، رازها و تهدیدها (۲۹ سپتامبر ۲۰۰۹)
۴۸. طرح حمله به ایران، در پی اخبار مربوط به قم (۲۵ سپتامبر ۲۰۰۹)
۴۹. اگر اسرائیل به ایران حمله کند چه می‌شود؟ (۱۲ ژانویه ۲۰۰۹)
۵۰. سایت‌های هسته‌ای ایران به طور موقت به حالت تعلیق در آمد (۲۴ نوامبر ۲۰۱۰)
۵۱. اگر ایران به بمب هسته‌ای دست یابد چه می‌شود؟ (۲۱ مارس ۲۰۱۰)
۵۲. ایالات متحده و متحدانش برای ایران تحریم‌هایی پیشنهاد کردند (۱۸ می ۲۰۱۰)
۵۳. ایران هسته‌ای، یک تهدید است (۱ دسامبر ۲۰۱۱)
۵۴. ایالات متحده با تحریم‌های بیشتر به ایران سیلی می‌زند (۲۲ نوامبر ۲۰۱۱)
۵۵. ایالات متحده برای شروع مذاکرات مجدد مذاکرات با ایران تلاش می‌کند (۹ نوامبر ۲۰۱۱)
۵۶. بازرسان سازمان ملل ادعا می‌کنند نسبت به فعالیت هسته‌ای ایران تردید دارند (۹ نوامبر ۲۰۱۱)
۵۷. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی؛ ایران به طور فنی به بمب هسته‌ای دست یافته است (۷ نوامبر ۲۰۱۱)
۵۸. بدون تحریم‌های قوی، ایران هسته‌ای خواهد شد (۱۲ اگوست ۲۰۱۳)
۵۹. حمله به ایران در حال حاضر از فجایع بعدی جلوگیری می‌کند (۱۱ دسامبر ۲۰۱۳)
۶۰. چگونه با ایران مذاکره کنیم؟ (۲۹ اکتبر ۲۰۱۳)^۲
- سر مقالات روزنامه دیلی تلگراف
۶۱. تغییر رژیم ممکن است بهتر از یک ایران مسلح به سلاح هسته‌ای باشد (۲۳ نوامبر ۲۰۰۴)
۶۲. ایران "تهدید جدی" خواهد بود، اگر به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند (۲۳ نوامبر ۲۰۰۵)

^۱ برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به سایت روزنامه واشنگتن پست

<http://www.washingtonpost.com>

^۲ برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به سایت روزنامه وال استریت ژورنال <http://www.wsj.com>

۶۳. رایس، درباره برنامه‌های هسته‌ای ایران هشدار می‌دهد (۱۷ سپتامبر ۲۰۰۵)
۶۴. ما باید درباره ایران هسته‌ای بسیار نگران باشیم (۱۴ ژانویه ۲۰۰۶)
۶۵. شورای امنیت، تحریم‌هایی را علیه ایران به تصویب رسانید (۲۳ دسامبر ۲۰۰۶)
۶۶. ایران بمب هسته‌ای می‌خواهد تا از آن استفاده کند (۵ نوامبر ۲۰۰۷)
۶۷. تحریم، برای توقف برنامه هسته‌ای ایران شکست خواهد خورد (۱۳ فوریه ۲۰۰۷)
۶۸. ایران تهدید به قطع صادرات نفت خلیج فارس می‌کند اگر تاسیسات هسته‌ای مورد حمله قرار گیرد (۲۸ ژوئن ۲۰۰۸)
۶۹. اسرائیل علاقمند به تحریم‌های بیشتر علیه ایران است (۱۵ اکتبر ۲۰۰۹)
۷۰. باراک اوباما، تحریم‌هایی را علیه رهبران ایران در نظر دارد (۳۰ دسامبر ۲۰۰۹)
۷۱. ایران متهم به آزمایش محرک‌های بمب هسته‌ای شده است (۱۴ دسامبر ۲۰۰۹)
۷۲. ایران تهدید به خروج از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای می‌کند (۳۰ نوامبر ۲۰۰۹)
۷۳. سازمان ملل؛ ایران ممکن است سایت‌های هسته‌ای پنهانی بیشتری داشته باشد (۱۶ نوامبر ۲۰۰۹)
۷۴. هشدار دیدبان سازمان ملل؛ ایران در آستانه سلاح هسته‌ای است (۶ سپتامبر ۲۰۱۰)
۷۵. تهدید هسته‌ای ایران (۸ نوامبر ۲۰۱۱)
۷۶. ایران، رازهای هسته‌ای خود را پنهان می‌کند (۱۹ دسامبر ۲۰۱۱)
۷۷. ایران می‌تواند در طی ۱۰ ماه بمب هسته‌ای را درست کند (۱۹ اکتبر ۲۰۱۲)
۷۸. غرب در مذاکرات هسته‌ای به ایران فشار می‌آورد (۱۲ آوریل ۲۰۱۲)
۷۹. روسیه از جاه طلبی هسته‌ای ایران نگران شده است (۱۰ ژانویه ۲۰۱۲)
- بنیامین نتانیاهو وعده داد که جاه طلبی هسته‌ای ایران را متوقف می‌کند (۲۳ ژوئن ۲۰۱۳)^۱

منابع

الف - فارسی

- ایزدی، جهان‌بخش (۱۳۸۹)، دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران (سیاست خارجی، انرژی، هسته‌ای)، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقاتی بین‌المللی ابرار معاصر تهران، چاپ نخست.
- بوزان، باری و الی ویور و پاپ دو ویلد (۱۳۹۲)، چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه، علیرضا طیب، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم.
- بوزان، باری و الی ویور (۱۳۸۸)، مناطق و قدرت‌ها، ترجمه، رحمن قهرمانپور، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول
- شیهان، مایکل (۱۳۸۸)، امنیت بین‌الملل، ترجمه، جلال دهقانی فیروزآبادی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.

^۱. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به سایت روزنامه دلی تلگراف <http://www.telegraph.co.uk>

- عبداله خانی، علی (۱۳۸۳)، **نظریه‌های امنیت، مقدمه ای بر طرح ریزی دکترین امنیت ملی (۱)**، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، جلد اول، چاپ نخست.
- عبداله خانی، علی (۱۳۸۹)، **نظریه‌های امنیت، تهران**، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، چاپ اول.
- گلشن پژوه، محمود رضا (۱۳۸۷)، **پرونده هسته‌ای ایران روندها و نظرها**، جلد چهارم، تهران: موسسه فرهنگی مطالعاتی و تحقیقاتی بین‌المللی ابرار معاصر تهران، چاپ نخست.
- ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۸۶)، «تاملی بر مبانی و فرهنگ مکتب کپنهاک»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال ۲۱، شماره ۲، صص ۴۵۸-۴۳۹.
- احمدی، افسانه (۱۳۸۸)، «برنامه هسته‌ای ایران از نگاه دیپلماسی عمومی»، **فصلنامه راهبرد**، سال ۱۸، شماره ۵۱، صص ۲۷۰-۲۴۹.
- اکوانی، حمدالله (۱۳۹۱)، «زبان و هویت در میدان رسانه‌ای غرب: ایران به مثابه (دیگری)»، **فصلنامه مطالعات ملی**، شماره ۵۱، صص ۵۲-۲۹.
- امیدی، علی و آرزو نصری (۱۳۸۶)، «حقوق بین‌الملل و برنامه هسته‌ای ایران»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال ۲۱، شماره ۲، صص ۲۹۴-۲۶۳.
- ایزدی، فواد و حسین مهربانی فر و رامین چابکی و مهدی متین جاوید (۱۳۹۲)، «ایران هراسی در آمریکا؛ بازنمایی شرق‌شناسی از برنامه هسته‌ای ایران در مستند ایران‌یوم»، **فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی**، سال ۱۰، شماره ۳۵، صص ۹۱-۶۹.
- بیچرانلو، عبدالله (۱۳۸۸)، «بازنمایی اسلام و ایران در رسانه‌های غرب»، **فصلنامه رسانه**، شماره ۷۷، صص ۹۴-۷۹.
- جعفری، علی اکبر (۱۳۸۸)، «اتحاد آمریکا-اسرائیل و مبارزه با سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه»، **فصلنامه سیاست**، شماره ۳، صص ۱۵۴-۱۳۱.
- دعاگویان، داود (۱۳۸۷)، «بازی‌های زبانی در گفتمان‌های هسته‌ای گروه ۵+۱ با ایران»، **فصلنامه رسانه**، شماره ۷۶، صص ۵۸-۴۱.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال و یوسف قرشی (۱۳۹۱)، «نظریه و روش در مطالعات امنیتی کردن»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال ۱۱، شماره ۴، صص ۴۲-۷.
- رودلف، پیتر (۱۳۸۴)، «سیاست آمریکا در قبال ایران: وضعیت، گزینه‌ها و سناریوها»، **بولتن ویژه**، تهران: موسسه فرهنگی مطالعاتی و تحقیقاتی بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- سعیدی، روح الامین (۱۳۹۰)، «رسانه‌ها و برساختگی مفاهیم امنیت و ناامنی؛ ملاحظاتی برای جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات قدرت نرم**، سال ۱، شماره ۴، صص ۱۲۷-۱۵۴.

عسگری، یداله (۱۳۸۵)، «بررسی و تحلیل حقوقی عملکرد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مساله فعالیت‌های هسته‌ای ایران»، **فصلنامه سیاست دفاعی**، سال ۱۴، شماره ۵۵، صص ۶۰-۳۵.

فتحی، محمد (۱۳۸۳)، «چالش ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی»، **ماهنامه گزارش**، شماره ۱۵۶، صص ۲۸-۲۲.

فرقانی، محمد مهدی و علی احمدی (۱۳۹۰)، «تصویرسازی فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در شبکه‌های تلویزیونی بین‌المللی»، **فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی**، سال ۱۸، شماره ۳، صص ۹۰-۶۳.

قائم پناه، صمد (۱۳۸۵)، «تحلیل بحران ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر اساس مکعب بحران»، **فصلنامه خاورمیانه**، شماره ۴۷، صص ۲۸-۲۰.

کوشا، سهیلا و محمد علی اسکندری (۱۳۹۰)، «چالش‌های حقوقی ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت و قطعنامه‌های تحریمی»، **فصلنامه سیاست خارجی**، شماره ۱۰۱، صص ۳۸۹-۳۷۹.

محسنی، سجاد و علیرضا صالحی (۱۳۹۰)، «اهداف آمریکا از امنیتی کردن فعالیت هسته‌ای ایران (با نگاهی به مکتب کپنهاگ)»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال ۲۵، شماره ۳، صص ۶۳۴-۶۱۳.

نصری، قدیر (۱۳۹۰)، «تاملی نظری در یافته‌ها و دشواری‌های «باری بوزان» در بررسی امنیت»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال ۱۴، شماره ۴، صص ۱۳۴-۱۰۵.

ب- انگلیسی

- IEIA Anti Iranian Resolutions:
 GOV/2003/69, 12 September 2003
 GOV/2003/81, 26 November 2003
 GOV/2004/21, 13 March 2004
 GOV/2004/49, 18 June 2004
 GOV/2004/79, 18 September 2004
 GOV/2004/90, 29 November 2004
 GOV/2005/64, 11 August 2005
 GOV/2005/77, 24 September 2005
 GOV/2006/14, 4 February 2006
 GOV/2009/82, 27 November 2009
 GOV/2011/69, 18 November 2011
 GOV/2012/50, 13 September 2012
- Roe, Paul (2008), "Actor, Audience(s) and Emergency Measures: Securitization and the UK's Decision To Invade Iraq", **Security Dialogue**, Vol. 39, No. 6, pp 615-635.
- Kutchesfahani, sara (2006), "Iran's nuclear challenge and European diplomacy", **European Security & Global Governance**, EPC Issue Paper No.46. pp 3-22.
- Jutila, M (2006), "Desecuritizing Minority Rights: Against Determinism", **Security Dialogue**, Vol. 37, No.2, pp 167-185

- Stritzel, Holger (2007), "Towards a theory of securitization: Copenhagen and beyond", **European Journal of International Relations**, Vol. 13, No. 3, pp 357- 383.
- Williams . Micheal(2003), "Words, Images, Enemies: Securitization and International Politics", **International Studies Quarterly**, Vol.47 ,pp 511–531.
- Bilgin. P(2011), "The politics of studying securitization? The Copenhagen School in Turkey", **Security Dialogue**, Vol 42, No(4-5), pp 399–412.
- McDonald . M(2008), "Securitization and the Construction of Security", **European Journal of International Relations** , Vol.14, No.4, PP 563–587.
- Lo Yuk-ping . C . Thomas. N(2010), "How is health a security issue? Politics, responses and issues" , **Health Policy and Planning**, Vol.25, pp 447–453.
- Walker, Robin E & Annette Seegers(2012), " Securisation: the Case of Post United States Africa Policy, Scientia Militaria", **South African Journal of Military Studies**, Vol.40, No.2, 2012, pp22-45.
- Entessar, Nader(2009), "Iran's Nuclear Decision-Making Calculus", **Middle East Policy**, Vol.16, No.2 .pp 26- 38.
- Buzan. B. (1991) "New patterns of global security in the twenty-first century" **International Affairs** ,vol, 6 No3.pp 431-451.

Archive of SID